

## قساوت حکومت اسلامی حد و مرزی ندارد

روز جمعه سوم دی ماه ۱۳۸۹ اجرای حکم اعدام حبیب‌الله لطیفی (روز یکشنبه پنجم دیماه) به وکیل ایشان اعلام شد، اعلام این خبر عکس العمل توده مردم در کردستان و کلیه آزادیخواهان در سراسر جهان را برانگیخت.

از طرف دیگر از مراجع بین‌المللی، از جمله عفو بین‌الملل و بنابه خبرموتق، رئیس‌جمهور عراق آقای جلال طالبانی، درخواستی برای لغو حکم اعدام حبیب‌الله لطیفی صورت گرفت. بنابر خبرهای مستقیم از سندج حمایت گسترده مردم از خانواده لطیفی در این دو روز بسیار وسیع بوده است. در این دو روز مردم با تجمع در برابر زندان شهر سندج، نمود با شکوهی از همبستگی را به نمایش گذاشته بودند. دسته‌دسته مردم از شهرهای کردستان خود را به سندج رسانده و در این همبستگی عمومی شرکت کرده بودند. این گفته در میان مردم تکرار می‌شد که «ما برای احسان و فرزند نتوانستیم کاری بکنیم نمی‌گذاریم حبیب‌الله را از ما بگیرند». تمام شب، تجمع در برابر زندان ادامه داشته است. مقارن ساعت هشت و نیم صبح روز یکشنبه به وقت محل رسماً اعلام میشود که حکم انجام نشده و خانواده حبیب‌الله میتوانند با او ملاقات کنند، جالب اینکه صدها نفری که در جلوی زندان بوده‌اند فریاد می‌زنند که ما همگی خانواده حبیب‌الله هستیم! بالاخره ملاقات با خانواده درجه یک از ساعت هشت و چهار و پنج دقیقه تا ساعت نه و نیم انجام می‌شود. اما یکشنبه شب در حالیکه عده‌ای از همشهریان خانواده لطیفی، در منزل آنها بوده‌اند مورد یورش عمال امنیتی حکومت اسلامی قرار می‌گیرند و کلیه خانواده و مهمانان را دستگیر میکنند و هم‌زمان با آن عده‌ای از فعالین کارگری و مدنی شناخته شده شهر سندج را نیز دستگیر می‌کنند. حکومت اسلامی با این حرکات ددمنشانه از طرفی ابعاد درندگی خود را به نمایش می‌گذارد، از طرف دیگر اما این امر نشانگر ترس و وحشتی است که سراپای این رژیم را فراگرفته است. ترس از مقاومت، همبستگی و درایت مردم ستم‌دیده و مصممی که از آغاز این حکومت برای بدست آوردن آزادی و عدالت اجتماعی پیگیرانه مبارزه کرده‌اند. شکی نیست که جواب سنجیده مردم در برابر جنگ روانی و بی‌شرمانه‌ای که اکنون توسط عوامل حکومت اسلامی در جریان است، سرانجام مزدوران جنایتکار را به زانو در خواهد آورد. شاید حکومتیان بخواهند با این ددمنشیاها، شورش‌های نا به هنگام را دامن بزنند. همان‌گونه که در سال ۱۳۸۴ با به قتل رساندن «ابراهیم اسفرم» (شوانه سید قادر) به تحریک توده‌ها پرداختند و شورشهای موضعی و پراکنده را دامن زدند و با این ترفند خواستند با ایجاد فضائی خشونت‌بار با کشتن عده زیادی از مردم کردستان بویژه جوانان فضای ترس و وحشت را تثبیت کنند. اما سیر تاریخ نشان داد که آنها نه تنها قادر به اعمال قدرت خود نشده‌اند بلکه با توده مصممی رو در رو هستند که دیگر نه در دام شورشهای موضعی خواهند افتاد و نه مرعوب و تسلیم سیاستهای جنایتکارانه رژیم خواهند شد. مردم ستم‌دیده کردستان ایران در تابستان ۱۳۸۴ در یک اعتصاب سراسری همبستگی مبارزاتی خود را نشان دادند و بار دیگر نیز در سال ۱۳۸۹ در اعتراض به اعدام پنج نفر از جوانان پرشور و آزادی‌خواه در اردیبهشت ماه نفرت خود را از این حکومت دینی و فاشیستی به نمایش گذاشتند. هم‌اکنون حداقل ۱۴ جوان محکوم به اعدام در سلول‌های زندانهای جمهوری اسلامی هستند. دو نفر از آنها، رضا شریف بوکان و علی صارمی دو زندانی سیاسی محکوم به اعدام از زندان گوهردشت کرج برای اجرای حکم به زندان اوین انتقال داده شده‌اند (متأسفانه طبق اطلاعات رسیده حکم در مورد علی صارمی به اجرا درآمده است). تداوم و تسلسل این اعمال جنایتکارانه نشان می‌دهد جنایت و شکنجه رژیم اسلامی را پایانی نخواهد بود مگر سرنگونی و نابودی کامل این رژیم فاشیستی. باید توجه داشت که اگرچه هر از چندگاهی اعتراض علنی و عمومی و ابراز نفرت از این جنایات ضروری است، اما فعالیت مخفی و تشکل در محافل و گروههای منسجم و مصمم مخفی از آن واجب‌تر و ضروری‌تر است. با ترکیب فعالیت‌های اجتماعی علنی و تشکیل هسته‌های مقاومت و سیاسی مخفی سیر سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی را سرعت ببخشیم و راه را برای برقراری حکومتی دموکراتیک و انسانی هموار سازیم.

سرنگون باد رژیم فاشیستی اسلامی ایران  
برقرار باد حکومت دموکراتیک و آزاد مردمی

روند سوسیالیستی کومه‌له  
هفتم دی‌ماه ۱۳۸۹